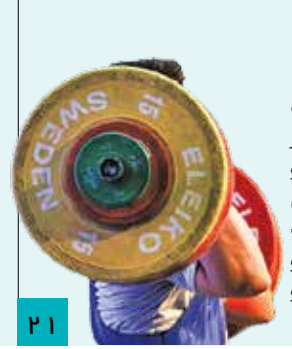




### رگور دشکنی معینی

#### دروازه برداری جوانان آسیا

وزنه بردار جوان کشورمان مدال طلا و نقره دسته ۸۹ کیلوگرم آسیا را از آن خود کرد. در مسابقات وزنه برداری قهرمانی نوجوانان و جوانان آسیا که در تاشکند ازبکستان در حال برگزاری است، علیرضا معینی در حرکت یک ضرب به ترتیب وزنه های ۱۵۱، ۱۵۷ و ۱۶۶ کیلوگرمی را با موفقیت بالای سر برد و به مدال طلای یک ضرب رسید.



### شلیک مرکب

#### به برادر مالک متروپل

مردان مسلح ناشناس با شلیک به برادر مالک متروپل آبادان، وی را به قتل رساندند. احسان عباسپور، معاون استاندار خوزستان و فرماندار ویژه آبادان با تأیید این خبر به ایرنا گفت: ظهر شنبه افراد ناشناس به مجید عبدالباقی برادر حسین عبدالباقی مالک برج متروپل آبادان در مقابل مجتمع مسکونی محل سکونتش تیراندازی کردند.



# غافلگیری سیل تابستانی با ۲۱ قربانی

سیل فروردین ۹۸ شیراز این بار در استهبان فارس تکرار شد

در تماس تلفنی با استاندار فارس صورت گرفت

سه دستور مخبر برای رسیدگی فوری به حادثه سیل استهبان



مرمت کارشناسان میراث فرهنگی در لرستان باز هم آه از نهاد فعالان میراث فرهنگی برآورد

## کابل کشی روی قلعه ۱۷۰۰ ساله فلک الافلاک!



۵ ماهه از ارتکاب جنایت

## قاتل شهید رنجبر قصاص شد

بدون جراحی باز در ایران

امیر حسین اسفندیار دریافت کننده ملی پوش والیبال در گفت و گوی اختصاصی با «ایران»:

## باخت به لهستان سخت ترین شب زندگی ام بود

■ نباید زحمات نسل قبلی را فراموش کرد  
■ ما برای سکوی قهرمانی جهان تلاش می کنیم



# القای روانی اسید پاشی با فیلم و سریال آموزش انتقام

تراشه بنیعیقوب کزارش نویسنده

«دوستش داشتم. زندگی ام بود. برادرش می گفت اگر تجنبی خواهرم را می برند. سه هفته از به هم خوردن نامزدی مان گذشته بود. همان جا گفتم با من یا مال هیچ کس. گفتم بکشمش. فکر می کردم، اعدام می کنند، اما برایم مهم نبود! می خواستم فقط آتش درونم بجواید. قاطی کردم. خواهرم ایلام زندگی می کرد، رفتم اسلحه پیدا کنم، شتر بودم، جاقو هم بلد نبودم دست بگیرم. جراتش را نداشتم، هنوز هم ندارم. سیم درست کردم خفه اش کنم. این حرف ها به زبان آسان است چون من این کاره نیستم. خلاصه نشد، نتوانستم. تا اینکه یک روز رفتم کوچه مروی ناهار بخورم؛ توی تاکسی بودم، داغان، مدام سیگار می کشیدم. راننده گفت تو چته؟ گفتم توی عشق شکست خورده ام. راننده نمی دانم نیتش خیر بود، شتر بود، گفت برو بلای سرش بیار. برو روش اسید پاش. تا حالا نشنیده بودم، اصلاً توی ذهنم هم نبود. گفتم نه بابا...»

یونس از تاکسی که پیاده شد، زندگی و سرنوشتش هم عوض شد تا شب به حرف های راننده فکر کرد و اینکه بالاخره روی صورت محبوبه اسید پاشد یا نه؟ اگر می خواهید جواب این سؤال را بدانید، جوابش مثبت است. یونس اسید پاشی است که چند سال پیش با او گفت و گو کردم. او اسید پاشید و زندگی یک زن را برای همیشه نابود کرد. هشت سال زندانی شد و برگشت... او به خاطر حرف های یک راننده تاکسی اسید پاشی کرد. خوشبختی که در ذهنش بود اما راه بیرون ریختن آن را پیدا نمی کرد، شاید اگر آن روز به کسی برمی خورد که جور دیگر راهنمایی اش می کرد، ماجرا به شکل دیگری رقم می خورد.

این گزارش اما داستان زندگی یونس و محبوبه نیست، بلکه پرداختن به این موضوع است که چقدر در حرف زدن مان، در نوشته های مان و در ساخت فیلم ها و سریال ها به این موضوع دقت می کنیم و چقدر بی محابا درباره خشونت حرف می زنیم؟ آیا جامعه مخاطب خود را در نظر می گیریم؟ این روزها در شبکه



است یعنی این فرد از جامعه و اطرافش یاد می گیرد که از اسید به عنوان یک سلاح استفاده کند. من چند ماه پیش با یک نفر که می خواست این کار را بکند صحبت کردم و از او پرسیدم چطور چنین چیزی به ذهنت رسید که گفت اتفاقاً در اطرافیان دارم. هر چند اسید پاشی رخ نمی دهد، اما بارها در این باره صحبت می شود. اسید روی لباس قهرمان فیلم می ریزد و تنها چند سوراخ بر جا می گذارد. روی ماشینی پاشیده می شود و تنها رنگ آن را آب می کنند. در بخش دیگری بازیگر سریال بارها تکرار می کند که می خواهد صورت یکی دیگر از شخصیت های فیلم را با اسید بی ریخت کند. این گونه تصویرسازی یا حرف زدن از خشونت که می تواند قربانی یا قربانیان را تا پایان عمر درگیر کند چقدر درست است و تا چه میزان می تواند بر مخاطبان اثر منفی بگذارد؟ این سؤالات را با یک روانشناس که اتفاقاً با انجمن حمایت از قربانیان اسید پاشی هم همکاری دارد، مطرح می کنم. همچنین دو قربانی اسید پاشی درباره احساس شان از پخش این سریال می گویند. در چند ماه اخیر چند حادثه اسید پاشی در نقاط مختلف کشور رخ داده که آخرین آن اسید پاشی به یک پسر ۱۴ ساله و پدرش در شیراز بوده است.

### اسید پاشی در سریال ها

«وقتی برای یک عضو خانواده چنین اتفاقی می افتد، همه اعضای خانواده دچار اختلالاتی مثل اضطراب و افسردگی می شوند و به دوره های روان درمانی طولانی مدت نیاز پیدا می کنند. قربانی هم به مدت ها روان درمانی نیاز دارد و اثرات این ماجرا تا پایان عمر با او هست. در حالی که بعد از این حادثه هیچ حمایت دولتی درباره خدمات روانشناسی افراد نمی شود. در انجمن ما من و بقیه کاملاً داوطلبانه فعالیت می کنیم.» این را زهرا نیکزاد، روانشناسی که با انجمن حمایت از قربانیان اسید پاشی همکاری دارد ابتدا از آسیب جدی که چنین خشونت می تواند به فرد و جامعه وارد کند، می گوید.

او ادامه می دهد: «حالا به مسأله دوم می رسیم و آن اینکه فرد اسید پاش چطور این موضوع به ذهنش می رسد؟ تحقیقات نشان می دهد این مسأله حاصل یادگیری

می دهد، مشخص باشد و نشان داده شود وگرنه اصلاً دلیلی ندارد بخواهیم از اسید نام ببریم یا درباره اش شوخی کنیم. اینها برای همه باز خورد منفی دارد، دیگر چه برسد برای کسانی که دنبال انتقام گیری هستند.»

### اسید همچنان قربانی می گیرد

محسن مرتضوی، قربانی اسید پاشی و از اعضای هیأت مدیره انجمن حمایت از قربانیان اسید پاشی هم در این باره می گوید: «واقعاً برای من دیدن صحنه های اسید پاشی سریال یاغی دشوار بود و هر کاری کردم آن صحنه ها را نتوانستم نگاه کنم اما ماجرای فیلم را می دانم که کسی می خواهد برای انتقام اسید پاشی کند. من طاقت دیدن این صحنه ها را ندارم. فیلمی مثل «لانٹوری» به موضوع اسید پاشی می پردازد و درباره اش ریشه یابی می کند و با روانشناس و روانکاوهای مختلف صحبت می کند و بعد مشکلات قربانی مطرح می شود. اما در سریال یاغی کسی به دلیل حسادت و انتقام می خواهد اسید پاشی کند که در واقع نوعی آموزش است و اینکه هر کس با هر کسی مشکل دارد و احساس بدی به او دارد و توان مبارزه ندارد، می تواند اسید پاشد. دقیقاً مثل اسید پاش من که در دادگاه می گفت فلانی چرا زن و بچه و خانواده داشت؟ چرا محسن را همه دوست دارند و تحت تأثیر این صحنه ها قرار بگیرد.»